

مسیر شطرنجی دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار در ایران با تطبیق نظام کیفری انگلستان

برهان خاطری* نسرین مهرا** محمدعلی مهدوی ثابت*** نوروز کارگری****

چکیده

اتخاذ سیستم دادرسی افتراقی در رسیدگی به بزهکاری اطفال و نوجوانان، از دستاوردهای جنبش حمایت از حقوق کودکان محسوب می‌شود. به تبع گزینش این سیستم و تحت نظارت سازمان‌های حامی حقوق کودکان، قوانین دادرسی کیفری اطفال و نوجوانان، دستخوش تحولات چشم‌گیری شده است. در اصلاحات اخیر قانون دادرسی کیفری در ایران، قانون‌گذار سعی بر تفکیک دادرسی کودکان از بزرگسالان کرد و با تقنین روش‌های نوآورانه، تلاش در انطباق با رهنمودهای بین‌المللی و تفریق دادرسی داشته است. علی‌رغم وجود سوابق قانون‌گذاری در کشور ما و رهنمودهای عالمانه استادان و دکترین حقوق کیفری و حتی تدوین لایحه جامع در خصوص دادرسی اطفال و نوجوانان، در آنچه به‌عنوان قانون تصویب شد، کاستی‌های فراوانی وجود دارد که نتیجه مطلوب و افق ایده‌آل منتج از سیستم دادرسی افتراقی را با چالش مواجه ساخته است. قانون فعلی دادرسی کیفری، در برخی مراحل از سیستم افتراقی خارج و بنای عمل را مثل دادرسی بزرگسالان ترسیم کرده است؛ به عبارت دیگر، فرض بر آن است که هم اکنون در فرایند دادرسی افتراقی اطفال و نوجوانان، با یک مسیر شطرنجی

*دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، واحد علوم و

تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، borhan57law@yahoo.com

**دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

docnas@mail.com

***دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران،

ایران، Ali@MAHDAVI.FR

****دانشیار دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،

Nouroozk@gmail.com

سیاه و سفید مواجه هستیم که در این نوشتار بخش سفید آن از امتیازها و بخش سیاه آن جزء معایب این سیستم ذکر کرده‌ایم. این مطلب که در سیستم دادرسی فعلی، قانونگذار کشور ما در چه مرحله‌ای از دادرسی افتراقی پیروی و در چه مقاطعی این مهم را رها نموده، از سوال‌های اصلی این نوشتار بوده و هدف ارتقاء منافع عالیه و تامین مصالح کودکان بوده و انتظار می‌رود با شناسایی دقیق این فرایند و تطبیق آن با نظام دادرسی انگلستان و برشمردن کاستی‌ها همراه با پیشنهادها، زمینه اصلاح قوانین جاری و رویکرد قضات دادگاه‌ها فراهم شود.

واژگان کلیدی: اطفال و نوجوانان بزهکار، دادرسی افتراقی، دادرسی غیر افتراقی، نظام دادرسی انگلستان.

سرآغاز

کودکان، ظریف‌ترین و حساس‌ترین قشر جامعه از نظر هر نوع رفتار و برخورد اجتماعی هستند. طبق آمارها نصف جمعیت ایران و حتی نصف جمعیت جهان را کودکان زیر هجده سال تشکیل می‌دهند. توجه ویژه و اختصاصی به شیوه هرگونه واکنش در قبال رفتار کودکان، در تمام جوامع مورد توجه قرار می‌گیرد. ضرورت مراقبت ویژه در خصوص کودکان در اعلامیه حقوق کودک ژنو 1924، اعلامیه حقوق کودک 1959، اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی مربوط به حقوق مدنی و سیاسی (به‌ویژه مواد 23 و 24)، میثاق بین‌المللی مربوط به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (به‌ویژه ماده 10)، کنوانسیون حقوق کودک 1989 و سایر اسناد بین‌المللی مرتبط با حقوق کودکان به رسمیت شناخته شده است. در زمینه حقوق کیفری نیز، اعم از حقوق ماهوی و یا حقوق دادرسی، قوانین داخلی و بین‌المللی در خصوص اطفال و نوجوانان، مبتنی بر رعایت «منافع عالیه کودکان» و «ساختار افتراقی» است. تحت تأثیر آموزه‌های جرم‌شناسی و رویکرد حمایتی به اطفال و نوجوانان، دادرسی آنان بر مدل‌های ویژه و مشارکتی و با تکیه بر الگوی حداقل مداخله، پیشنهاد می‌شود. اگرچه در ایران «قانون اساسی، اصول راهبردی خاصی در خصوص نظام کیفری اطفال و نوجوانان پیش‌بینی نکرده است» (مهرا، 1385: 44) لکن اتخاذ سیاست دادرسی افتراقی و حمایتی ویژه اطفال و نوجوانان و

تشکیل مجدد دادگاه اطفال و نوجوانان¹ در قانون آیین دادرسی کیفری در سال 1392 مورد توجه مقنن قرار گرفته اما دادرسی افتراقی، در تمام مراحل دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار مشاهده نمی‌شود. هدف این نوشتار، تبیین خلأهای مدل افتراقی و تا حدودی تطبیق این رویکرد با حقوق انگلستان ضمن ارائه راهکارهای مناسب جهت تکمیل پازل دادرسی ویژه اطفال در تمام مراحل اعم از تحقیقات مقدماتی، محاکمه و اجرای احکام جهت اصلاح قوانین و رویه‌های موجود است.

در این نوشتار جهت تفهیم موضوع، مطالب در سه بخش دادرسی افتراقی اطفال و نوجوانان بزهکار در مرحله تحقیقات مقدماتی، دادرسی افتراقی اطفال و نوجوانان بزهکار در مرحله محاکمه و دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار در مرحله اجرای حکم، ارائه و در هر قسمت موضوع‌های مرتبط با هر یک از مراحل دادرسی و کنشگران آن بخش و نقاط ضعف و قوت آن تبیین می‌شود.

1. دادرسی افتراقی اطفال و نوجوانان بزهکار در مرحله تحقیقات مقدماتی

تحقیقات مقدماتی در دادرسی‌های کیفری که شامل کشف جرم، تحقیق و تعقیب متهم است، در شکل‌گیری پرونده‌های کیفری، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در عین حال رعایت حقوق متهم و برگزاری یک دادرسی منصفانه در این مرحله، از مهم‌ترین نکات مورد توجه سازمان‌ها و نهادهای حامی حقوق بشر محسوب می‌شود. حساسیت این موضوع در جایی که متهم پرونده کیفری، طفل یا نوجوان باشد، دوچندان می‌شود. نحوه واکنش ضابطین و شیوه تحقیق و تشکیل مقدمات پرونده توسط آنان و نیز

1. اولین قانون تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان بزهکار در ایران در سال 1338 و نخستین دادگاه اطفال انگلستان در سال 1908 تصویب شد (children act, 1908). همچنین دادگاه اطفال در آمریکا در سال 1899 تأسیس شدند (Finonda, 2001:ch.1).

ضوابط متفاوت دادسرا در خصوص نوجوانان بزهکار، از مباحث مهم دادرسی کیفری کودکان است که در رهنمودهای سازمان ملل نیز بر آن تأکید شده است.¹

1-1. کشف و تعقیب جرائم اطفال و نوجوانان

اگرچه در قواعد کلی کشف جرم و جهات قانونی شروع به تعقیب، فرق چندانی بین جرائم بزرگسالان و بزهکاری کودکان به چشم نمی‌خورد، لکن در اعمال اقتضاء یا عدم اقتضای تعقیب و سیاست به‌کارگیری آن، تفاوت‌هایی وجود دارد.

«قاعده اقتضاء تعقیب در قلمرو جرائم اطفال و نوجوانان، به معنای آن است که مقام تعقیب می‌تواند بر اساس صلاحدید خود برخی از پرونده‌های کیفری این قشر را تعقیب نکند (نوروزی و دیگران، 1396: 181). در نحوه اعمال اصل قانونی بودن تعقیب² و اصل اقتضاء تعقیب³ و برخورد متفاوت قانون‌گذار ایران در مقایسه با حقوق انگلستان، باید گفت که: در نظام کیفری ایران مطابق مواد 80 و 81 قانون آیین دادرسی کیفری، به‌طور نسبی در جرائم خرد، دادسرا و یا دادگاه می‌توانند با شرایط مقرر قانونی، از تعقیب طفل یا نوجوان صرف‌نظر و قرار بایگانی پرونده و یا قرار تعویق و یا تعلیق تعقیب را صادر کنند، لکن هیچ اختیاری در مورد تعقیب یا عدم تعقیب کودکان بزهکار، به پلیس واگذار نشده است؛ اما در نظام حقوقی انگلستان، وظیفه تعقیب بر عهده پلیس گذارده شده و به همین دلیل نیز، در بیشتر پرونده‌های مربوط به کودکان، پلیس حق انصراف از تعقیب و اعمال یکی از نهادهای اخطار مشروط یا توبیخ و یا هشدار نهایی⁴

1. مطابق بند 1 قسمت دوم رهنمودهای دبیر کل سازمان ملل متحد در موضوع عدالت برای کودکان سال 2008 «موازین ناظر بر نحوه عملکرد، موازین استخدامی و موازین ناظر بر عملکرد کارکنان انتظامی و قضایی، مدیریت و کارکنان مراکز بازداشت، وکلا، مددکاران اجتماعی، کارمندان حقوقی و سایر افرادی که با مسائل کودکان در روند حقوقی سروکار دارند؛ باید به نحو منسجمی تحقق یابد. جریان آموزش نیروهای امنیتی و انتظامی بایستی دربردارنده توجه به حقوق کودک، حساسیت جنسی، میانجیگری و حل و فصل اختلاف بوده و به مسئولیت‌های آنان به‌عنوان نهادهایی که وظیفه حمایت از کودکان را بر عهده دارند، تمرکز شود».

2. The principle of compulsory prosecution.
3. The principle of expediency prosecution.
4. Cautioning and final warning scheme.

را بر عهده دارد. این عمل باعث تعامل و هماهنگی بیشتر بین پلیس و دادستانی و نظارت پلیس بر رفتار اطفال و پیشگیری از بزهکاری آنان شده است؛ چیزی که در حقوق ایران کمتر ملموس و مشهود است. از طرفی تنوع نمودها و روش‌های اجرایی قاعده اقتضاء تعقیب در حقوق انگلستان، دستیابی به اهداف غایی این قاعده را بیشتر و بهتر از حقوق ایران ممکن می‌سازد.¹

1-2. پلیس ویژه اطفال و نوجوانان

اولین بار قانون‌گذار ایران، در قانون آئین دادرسی کیفری 1392، موضوع «پلیس ویژه اطفال و نوجوانان» را مطرح کرد.² وجود پلیس آموزش‌دیده و یک نهاد تخصصی، جهت انجام وظایف ضابطین در خصوص اطفال و نوجوانان ضروری است. در بسیاری موارد اقدام‌های ناسنجیده و غیرتخصصی، احتمال لطمات روحی و جسمی و ترک تحصیل و فرار از منزل و حتی خودکشی را برای طفل یا نوجوان در پی خواهد داشت. به این جهت تحت آموزه‌های جرم‌شناسی رشد‌مدار، قانون‌گذار موضوع پلیس خاص اطفال و نوجوانان را پیش‌بینی کرد.

علی‌رغم تلاش فراوان جهت قانونی‌کردن تشکیل پلیس اطفال و نوجوانان و پذیرش سیاست جنایی افتراقی در واکنش اولیه پلیس با کودکان، لکن اجرای قانون با مشکل‌های جدی مواجه است؛ به این جهت که میزان اختیارهای پلیس در جرائم اطفال و نوجوانان در تبصره 2 ماده 285 ق.آ.د.ک تقریباً بیان شده، لکن مطابق قسمت اخیر ماده 31 ق.آ.د.ک، وظایف و حدود اختیارهای پلیس اطفال و نوجوانان، به موجب لایحه‌ای است که توسط رئیس قوه قضائیه تهیه می‌شود. اگرچه لایحه در معاونت حقوقی قوه قضائیه تهیه شده ولی هنوز تقدیم مجلس نشده است و عملاً موجبات

1. Sections 8,14 and 46 of the Crime and Disorder Act 1998.

2. مطابق ماده 31 ق.آ.د.ک «به منظور حسن اجرای وظایف ضابطان در مورد اطفال و نوجوانان، پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تشکیل می‌شود. وظایف و حدود اختیارات آن به موجب لایحه‌ای است که توسط رئیس قوه قضائیه تهیه می‌شود.»

اجرای قانون، شیوه عمل و نحوه انتخاب پلیس اطفال در قانون ایران فراهم نشده است¹ و حتی، علی‌رغم آن‌که زمان تصویب مواد 42 و 285 ق.آ.د.ک واحد است، لکن مجوز بازجویی و تحقیقات از افراد نابالغ توسط پلیس خاص نیز، به موجب تبصره‌های 1 و 2 ماده 285 ق.آ.د.ک منع شده است و در مفاد مواد قانونی که در یک زمان واحد تصویب شده، تعارض آشکار وجود دارد.

در جرائم اطفال و نوجوانان ضابطان دادگستری مکلف‌اند، در صورت دستگیری مرتکب، حسب مورد، فوراً متهم را چه در ساعات اداری و چه در ساعات غیراداری به دادرسی نوجوانان یا دادگاه اطفال و یا به قاضی کشیک دارای ابلاغ ویژه اطفال تحویل دهند (مرتکبین زیر 15 سال به دادگاه اعزام و مرتکبین دارای سن 15 تا 18 سال تمام شمسی به دادرسی نوجوانان اعزام می‌شوند). به علت فقدان پلیس آموزش‌دیده و آشنا به حقوق دادرسی اطفال و نوجوانان از زمان دستگیری تا اعلام برائت اطفال فاقد مسئولیت و یا صدور قرار متناسب تأمین در مورد سایر نوجوانان، حقوق آنان تضییع و با استفاده از دستبند و یونیفرم پلیسی و حتی اسلحه و در مکان‌های معمول کلانتری و پاسگاه، برخوردی مشابه بزرگسالان از طرف پلیس اعمال می‌شود.² لذا تشکیلات پلیس ویژه اطفال در قانون ایران، هنوز با جایگاه علمی آن فاصله فراوان دارد که به تطبیق این موضوع در حقوق انگلستان می‌پردازیم.

1. مطابق ماده 42 ق.آ.د.ک «بازجویی و تحقیقات از زنان و افراد نابالغ در صورت امکان باید توسط ضابطان آموزش‌دیده زن و با رعایت موازین شرعی انجام شود.» و از طرفی مطابق تبصره 1 ماده 285 ق.آ.د.ک «تحقیقات مقدماتی تمامی جرائم افراد زیر پانزده سال به‌طور مستقیم در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می‌آید و دادگاه مذکور کلیه وظایفی را طبق قانون بر عهده ضابطان دادگستری و دادسرا است، انجام می‌دهد».

2. در بند 64 سند بین‌المللی مقررات سازمان ملل برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی (مقررات هاوانا) 1990 تأکید شده که استفاده از وسایلی چون دستبند و در بند کشیدن کودکان و نوجوانان و همچنین حمل، استفاده از هرگونه اسلحه توسط کارکنان و مأمورین مراقب در مرکز نگهداری نوجوانان، ممنوع است.

در انگلستان پلیس اختصاصی و جداگانه در خصوص اطفال و نوجوانان وجود ندارد و پلیس ویژه اطفال به آن معنایی که در رهنمودها و مقررات بین‌المللی¹ با شرایط خاص تعریف شده راه نمی‌توان به رسمیت شناخت، اما در 42 حوزه فعالیت، نیروهای پلیس که افرادی تعلیم‌دیده هستند، به‌منظور برخورد با بزهکاری اطفال حضور دارند و اشخاص و رده‌هایی از مقام‌های پلیسی، برای برخورد با بزهکاری اطفال اختصاص یافته است. به این اشخاص آموزش‌های اختصاصی برای مواجهه با اطفال داده می‌شود. هرچند تکلیف و کار اختصاصی و منحصر آنان تنها رویارویی با اطفال نیست (مهر، 1390: 171). در کنار این افراد، افسران تعلیق مراقبتی نیز که از جهتی دارای بعضی اختیارات مشترک با پلیس هستند، وجود دارند. این افراد لیسانس حقوق دارند و عملکرد آنان مابین عملکرد پلیس و مددکاران اجتماعی است. تشکیل پرونده شخصیت برای اطفال و تکمیل آن، توسط افسران تعلیق مراقبتی صورت می‌گیرد.

پلیس مرتبط با اطفال و نوجوانان علاوه بر وظایف پلیسی، در امر پیشگیری از جرائم نیز نقش بسیار مهمی بر عهده دارد «و اساساً پیشگیری زودرس و مداخله پیش‌دستانه و مدیریت خطر² بخشی از سیاست جنایی انگلستان است» (King & Resodihardjo, 2010: 84). سازمان پلیس در شهرهای بزرگ، مراکز آموزش علمی، حرفه‌ای و تربیت بدنی دایر کرده‌اند و اطفال و نوجوانان کمتر از 17 سال که در ملاءعام شأن اجتماعی و نزاکت را رعایت نکنند و رفتار شایسته نداشته و پرخاشگری کنند و یا خارج از نظارت والدین باشند³ و یا ظن به ارتکاب جرم آن‌ها، در آینده وجود داشته باشد، به مراکز مذکور جهت ارشاد و یا اخطار معرفی می‌شوند. یکی دیگر از تدابیر

1. ازجمله حداقل مقررات استاندارد سازمان ملل متحد برای مدیریت دادرسی ویژه نوجوانان (مقررات پکن) 1989.

2. Risk management

3. مطالعات وزارت کشور انگلستان نشان داده است که کودکانی که در سطح پایین یا متوسط از نظارت والدین قرار دارند، بیش از دو برابر کودکانی که در سطح بالای نظارت هستند، در معرض عوامل جرم‌زا قرار خواهند گرفت (Card, 1998: 41).

پیشگیرانه پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در انگلستان، متمرکز ساختن نظارت و حیطه مراقبتی پلیس بر موقعیت‌های جرم خیز است. این گروه از افراد پلیس که با مقام‌های دولتی همکاری تنگاتنگی دارند، به جمع‌آوری کودکان فراری از مدرسه در سطح شهر و خیابان‌ها می‌پردازند. از جمله اهداف این برنامه‌ها می‌توان به جلوگیری از ارتکاب جرم، مشخص کردن رابطه میان فرار از مدرسه و ارتکاب جرم، بازگرداندن کودکان به مدرسه و امکان بررسی علل فرار از مدرسه با همکاری نهادهای دولتی اشاره کرد (رحمت الهی، 96:1396 و 107).

آنچه در انگلستان در روش برخورد با نوجوانان بزهکار قابل توجه است، روش اخطار¹ یا تویخ یا هشدار نهایی است. این روش از زمانی که یک نوجوان به اداره پلیس انتقال می‌یابد، آغاز می‌شود. والدین و سرپرستان در اداره پلیس حاضر می‌شوند، تحقیق را افسر مطمئن انجام می‌دهد و با پرونده به دایره ویژه نوجوانان فرستاده می‌شود. بر اساس همه اطلاعات که جمع‌آوری می‌شود، بازپرس در دایره مزبور تعیین می‌کند که نوجوان در دادگاه، تعقیب کیفری شود یا بر اساس شرایط، اخطار و هشدار داده شود. هدف از هشدار، اعلام خطر به بزهکاران نوجوان است که در صورت تکرار بزه، باید در دادگاه حاضر شوند (Bell & Pragnell, 1999:100).

3-1. دادرسی ویژه نوجوانان و تحقیقات مقدماتی

در جایی که دادسرا صالح به رسیدگی به جرائم نوجوانان است، مقنن در قانون آیین دادرسی کیفری 1392 تشکیل «دادرسی ویژه نوجوانان» را پیش‌بینی کرد² که مطابق آن

1. Cution

2 مطابق ماده 285 قانون آیین دادرسی کیفری «در معیت دادگاه اطفال و نوجوانان و در محل آن، شعبه‌ای از دادرسی عمومی و انقلاب با عنوان دادرسی ویژه نوجوانان، به سرپرستی یکی از معاونان دادستان و با حضور یک یا چند بازپرس، تشکیل می‌شود. تحقیقات مقدماتی جرائم افراد پانزده تا هیجده سال به جز جرائم موضوع مواد (306) و (340) این قانون که به‌طور مستقیم از سوی دادگاه صورت می‌گیرد، در این دادسرا به عمل می‌آید».

در مرحله تحقیقات مقدماتی، قضات دادرسی ویژه نوجوانان¹ متشکل از دادستان یا معاون دادستان و بازپرس، مسئول انجام تحقیقات در پرونده بزهکاری نوجوانان 15 تا 18 سال تمام شمسی هستند. مشکل اساسی آنجاست که دادرسی نوجوانان در نظر قانون‌گذار، یک نهاد تخصصی است و نه یک دادرسی اختصاصی. صرفاً شعبه یا شعباتی از دادرسی و وظایف تحقیقات مقدماتی نوجوانان را انجام و برای آن صلاحیت ذاتی فرض نشده است. معمولاً فضای تحقیق با بزرگسالان مشترک و همچنان موجبات ارتباط و خطرات آسیب‌پذیری وجود دارد و نمی‌توانیم یک دادرسی کاملاً افتراقی را تصور کرد.

در دادرسی نوجوانان، این‌که آیا دادیار صلاحیت تحقیقات در جرائم نوجوانان م را دارد یا خیر؟ اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای معتقدند که در مواد مختلف قانون آئین دادرسی کیفری و با تأسی از قانون اصول محاکمات سال 1290، مخاطب قانون طبق روال، مستنطق و بازپرس است، لذا این امر مانع اقدام توسط دادیار نیست²، اما نظر غالب آن است که نظر به اهمیت ویژه‌ای که قانون‌گذار به دادرسی جرائم نوجوانان قائل شده و طبق ماده 409 ق. آ. د. ک³ که یکی از شرایط قضات دادرسی نوجوانان را داشتن حداقل پنج سال سابقه خدمت قضایی ذکر کرده، لذا رسیدگی به پرونده‌های نوجوانان توسط دادیار، فاقد وجاهت قانونی است و باید توسط بازپرس انجام پذیرد. این موضوعی است که قانون‌گذار برای کاهش آسیب‌ها و جهت جلوگیری از ورود قضات تازه‌کار به پرونده‌های نوجوانان تعیین تکلیف نکرده است.

1. منظور از نوجوان در ماده 285 و سایر مواد قانونی آئین دادرسی کیفری، اشخاص دارای سن 15 سال تمام شمسی تا 18 سال تمام شمسی است؛ اما در قانون مجازات اسلامی منظور از نوجوان، اشخاص بالغ زیر 18 سال تمام شمسی است.

2. مثل مواد 89 و 93، 95، 97، 98 و... قانون آیین دادرسی کیفری.

3. ماده 409 ق. آ. د. ک «قضات دادگاه و دادرسی اطفال و نوجوانان را رئیس قوه قضاییه از بین قضاتی که حداقل پنج سال سابقه خدمت قضایی دارند و شایستگی آنان را برای این امر با رعایت سن و جهات دیگر از قبیل تأهل، گذراندن دوره آموزشی و ترجیحاً داشتن فرزند محرز بداند، انتخاب می‌کند».

در خصوص صلاحیت، همان‌طور که ذکر شد، دادرسی صلاحیت ورود به پرونده متهمین زیر 15 سال تمام شمسی را ندارد (اعم از آن‌که متهم دختر یا پسر باشد) و فقط در جرائم نیازمند کیفرخواست مربوط به نوجوانان 15 تا 18 سال تمام شمسی رسیدگی و پس از تکمیل تحقیقات، در صورت احراز مجرمیت، پرونده را با صدور قرار جلب به دادرسی و کیفرخواست، به دادگاه اطفال و نوجوانان ارسال می‌کند. ایراد محرز با دادرسی افتراقی آن است که در رویه فعلی، به جهت فقدان ضابطین مسلط به آموزه‌های حقوق اطفال، اکثریت پرونده‌های اطفال که از مراجع انتظامی ارسال می‌شوند، بدو از دادرسی شروع و پس از دخالت مقام‌های دادرسی و نادیده انگاشتن حقوق دادرسی اطفال، پرونده با قرار عدم صلاحیت به دادگاه اطفال عودت می‌شود که منافی با اصل به حداقل رساندن حضور اطفال در سیستم عدالت کیفری است.

راجع به «قرارهای تأمین کیفری» در قانون آئین دادرسی کیفری در ماده 287¹ تسهیلات و تخفیف‌های ویژه‌ای مقرر شده است، به این شکل که در مورد اشخاص زیر 18 سال، صرفاً چهار نوع قرار، قابلیت صدور دارد. قرار تأمین مخصوص اشخاص زیر 15 سال اعم از دختر یا پسر و در کلیه جرائم ارتكابی، صرفاً «قرار التزام» است. در خصوص این‌که آیا قرار مذکور با وجه التزام است یا خیر؟ قانون تعیین تکلیف نکرده و این موضوع به‌عنوان یکی از مشکلات دادرسی مقدماتی اشخاص زیر 15 سال بیان می‌شود و در عمل این قرار تأمین، ضمانت اجرا نداشته و در مرحله اجرای احکام، در

1. مطابق ماده 287 قانون آئین دادرسی کیفری، «در جریان تحقیقات مقدماتی، مرجع قضایی حسب مورد، اطفال و نوجوانان موضوع این قانون را به والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی یا در صورت فقدان یا عدم دسترسی و یا امتناع از پذیرش آنان به هر شخص حقیقی یا حقوقی که مصلحت بداند می‌سپارد. اشخاص مذکور ملتزم‌اند هرگاه حضور طفل یا نوجوان لازم باشد او را به مرجع قضایی معرفی نمایند. افراد پانزده تا هجده سال نیز شخصاً ملزم به معرفی خود به دادگاه می‌باشند. در صورت ضرورت، اخذ کفیل یا وثیقه، تنها از متهمان بالای پانزده سال امکان‌پذیر است در صورت عجز از معرفی کفیل یا ابداع وثیقه و یا در مورد جرائم پیش‌بینی شده در ماده (237) این قانون، دادرسی یا دادگاه می‌تواند با رعایت ماده (238) این قانون قرار نگهداری موقت آنان را در کانون اصلاح و تربیت صادر کند».

صورت عدم حضور طفل، التزام عملی برای ولی یا سرپرست طفل ایجاد نمی‌کند و اجرای تصمیم دادگاه اطفال و نوجوانان را با مشکل مواجه می‌سازد.¹ در خصوص اشخاص 15 تا 18 سال صرفاً قرارهای چهارگانه التزام، کفالت، وثیقه و نگهداری موقت، امکان‌پذیر است و این افراد شخصاً ملتزم می‌شوند و باید خود زیر قرار التزام را امضاء کند.

در نظام کیفری انگلستان در خصوص قرارهای تأمین اطفال و نوجوانان در مراحل اولیه تحقیقات، می‌توان به قرار ممنوعیت رفت‌وآمد شبانه²، قرار ویژه رفتارهای ضداجتماعی³، قرار مخصوص والدین⁴ و قرار حمایت از کودک⁵ اشاره کرد که به موجب قانون جرم و بی‌نظمی مصوب 1998⁶ و قانون دادرسی اطفال و دلایل کیفری مصوب 1999⁷ مقرر شده و حسب مورد توسط مقام‌های محلی یا پلیس صادر و یا از طرف این نهادها جهت صدور به دادگاه پیشنهاد می‌شوند (پاکنهاد، 1385: 137 و 138) همچنین «قرار ارجاع» بزهکاران نوجوان به کمیسیون محلی اطفال بزهکار⁸ جهت اعمال نهایی‌ترین قرار تأمینی و قابل اعلام به دادگاه جهت تعیین مجازات، از شاهکارهای اصلاحات حزب کارگر در زمینه عدالت کیفری نوجوانان توصیف کرده‌اند (Newburn and Morgan, 2012: 520). در سال‌های اخیر نیز به موجب قانون عدالت کیفری و مهاجرت مصوب 2008 و قانون معاضدت حقوقی، محاکمه و مجازات بزهکاران 2012، قرارهای تأمینی دیگری همانند قرار بازپروری جوانان و حل فصل اجتماعی و اختراهای مشروط جوانان، به نظام دادرسی کیفری نوجوانان در انگلستان اضافه شده

1. هرچند عده‌ای معتقدند با توجه به این‌که اشخاص زیر 15 سال، مطابق ماده 88 قانون مجازات اسلامی قابل «مجازات» نیستند و صرفاً اقدام‌ها و «تصمیمات» تربیتی در خصوص آن‌ها اعمال می‌شود، لذا تعیین وجه التزام ضرورت ندارد. مقتن هم به «وجه» برای التزام اشاره نکرده است.

2. Local child curfew order
3. Anti-social behavior order
4. Parenting order
5. Child safety order
6. Crime and Disorder Act 1998
7. Youth Justice and Criminal Evidence Act 1999
8. Youth offender panel

است (بشیریه، 1397: 538). اکثر قراردادهای تأمین صادره در خصوص اطفال منجر به بازداشت نمی‌شود.

یکی از نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری سال 1392 لزوم تشکیل «پرونده شخصیت»¹ در جرائم اطفال و نوجوانان است. پرونده شخصیت در مورد اطفال بزهکار، اولین بار تحت تأثیر افکار جرم‌شناسانه مکتب دفاع اجتماعی نوین و پیروان فیلیپو گراماتیکا² مورد توجه قرار گرفت و بر اساس این دیدگاه، شناخت شخصیتی افراد و علی‌الخصوص کودکان، جهت اصلاح و باز اجتماعی کردن آنان لازم و ضروری است. در بسیاری از کشورها سال‌هاست که در کنار پرونده قضایی، برای بزهکار، پرونده شخصیت جهت تجویز بهترین تصمیم اصلاحی مورد بررسی قرار می‌گیرد. قانون‌گذار کشور ما اولین بار در قانون آیین دادرسی کیفری سال 1392 تحت تأثیر دکتترین جرم‌شناسی دانشگاهی، بر لزوم تشکیل پرونده شخصیت در جرائم مهمه و گسترده‌تر از آن، در جرائم اطفال و نوجوانان در مواد 203 و 286 ق. آ. د. ک تأکید کرد.³

پرونده شخصیت در جرائم اشخاص زیر 15 سال به دستور دادگاه و در جرائم اشخاص 15 تا 18 سال تمام، به دستور بازپرس تشکیل می‌شود. مرجع تشکیل و تهیه پرونده شخصیت «واحد مددکاری اجتماعی» است که مطابق مواد 486 و 487

1. Personality case

2. Filippo Gramatica

3. مطابق ماده 203 ق. آ. د. ک «در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجه چهار و بالاتر است و همچنین در جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آن‌ها ثلث دیه کامل مجنی علیه یا بیش از آن است، بازپرس مکلف است در حین انجام تحقیقات، دستور تشکیل پرونده شخصیت متهم را به واحد مددکاری اجتماعی صادر کند. این پرونده که به صورت مجزا از پرونده عمل مجرمانه تشکیل می‌شود، حاوی مطالب زیر است: الف - گزارش مددکار اجتماعی در خصوص وضع مادی، خانوادگی و اجتماعی متهم. ب - گزارش پزشکی و روان‌پزشکی» و نیز مطابق ماده 286 ق. آ. د. ک «علاوه بر موارد مذکور در ماده (203) این قانون، در جرائم تعزیری درجه پنج و شش نیز، تشکیل پرونده شخصیت در مورد اطفال و نوجوانان توسط دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان الزامی است».

ق.آ.د.ک.¹، تشکیلات آن توسط قوه قضائیه ایجاد می‌شود لکن اشکال آنجاست که علی‌رغم همه ویژگی‌های مثبت پرونده شخصیت، به علت عدم استخدام مددکاران اجتماعی تا زمان تحریر این نوشتار، تشکیل پرونده شخصیت بزهکاران عملی نشده و صرفاً در مهرماه سال 1398 دستورالعمل تشکیل پرونده شخصیت توسط رئیس قوه قضائیه به مراجع قضایی ابلاغ شده است.² در انگلستان، همان‌طور که ذکر شد، افسران تعلیق مراقبتی، پرونده شخصیت را تشکیل می‌دهند.

1-4. دادستان و میزان دخالت وی در پرونده‌های کیفری اطفال و نوجوانان در دادگاه

در خصوص حضور دادستان در دادگاه اطفال و نوجوانان، بعد از صدور کیفرخواست در جرائم نوجوانان و نیز پرونده‌هایی که مستقیماً در دادگاه اطفال مطرح می‌شود، در قانون سال 1392 ابهام‌هایی وجود دارد و سؤالی که معمولاً در استعلام‌ها و نشست‌های قضایی مطرح می‌شود آن است که با توجه به این‌که در ماده 300 ق.آ.د.ک به حضور دادستان در سایر دادگاه‌های کیفری به‌جز دادگاه اطفال و نوجوانان اشاره و در ماده 412 ق.آ.د.ک قید شده که جلسه رسیدگی دادگاه اطفال و نوجوانان به دادستان ابلاغ می‌شود، آیا حضور دادستان یا نماینده وی در جلسه رسیدگی دادگاه اطفال الزامی است یا خیر؟³ که دو دیدگاه موافق و مخالف دارد.

1. ماده 486 ق.آ.د.ک «قوه قضائیه به‌منظور انجام وظایف مددکاران اجتماعی، تشکیلات مناسبی تحت عنوان «مددکاری اجتماعی» را در حوزه قضایی هر شهرستان ایجاد می‌کند».

ماده 487 ق.آ.د.ک «مددکاران اجتماعی از بین فارغ‌التحصیلان رشته‌های مددکاری اجتماعی، علوم تربیتی، روانشناسی، جامعه‌شناسی، جرم‌شناسی و حقوق استخدام می‌شوند».

2. اینکه آیا تا زمان تشکیل «واحد مددکاری اجتماعی» تشکیل پرونده شخصیت الزامی است یا خیر؟ به نظر می‌رسد که تا آن زمان «اختیاری» است، هرچند واحدهای مددکاری زندان‌ها و کانون‌های اصلاح و تربیت، توسط مددکاران و روانشناسان خود، در صورت ارجاع مقام قضایی، این مهم را انجام می‌دهند.

3. در پاسخ به این سؤال باید گفت که قید کلمه «دادستان» در ماده 412 ق.آ.د.ک، مفید الزام به دعوت از دادستان در تمام جلسات دادگاه اطفال و نوجوانان نیست، زیرا نخست، در مواد 300 و 294 ق.آ.د.ک بعد از بیان کل دادگاه‌های کیفری، قواعد حضور دادستان یا معاون او یا یکی از داباران را قید کرده، لکن اشاره‌ای به

همچنین علی‌رغم ذکر قاعده کلی ابلاغ دادنامه به دادستان در ماده 380 ق. آ. د. ک و نیز آنکه طبق ماده 447 ق. آ. د. ک قید شده که هرگاه دادستان آراء و تصمیم‌های دادگاه اطفال و نوجوانان را مخالف قانون بداند، می‌تواند درخواست تجدیدنظر کند؛ لکن در ماده 417 ق. آ. د. ک به ابلاغ رأی و تصمیم دادگاه اطفال و نوجوانان به دادستان اشاره‌ای نشده است.

در انگلستان تا سال 1985 پلیس مقام اصلی مسئول تعقیب بود. تشکیلات دادستانی سلطنتی¹ نخست در لندن و حومه و سپس در سراسر انگلستان و ولز به‌عنوان مرجع ملی تعقیب، مستقر و شروع به کار کرد. اداره دادستانی سلطنتی بیش از صد دفتر محلی دارد که مسئول هدایت جریان کلیه تعقیب‌های آغاز شده به وسیله پلیس است. دادستانی سلطنتی می‌تواند پس از بررسی مدارک ارائه‌شده به وسیله پلیس به لحاظ عدم کفایت دلایل یا به لحاظ مصالح و منافع عمومی، قرار منع تعقیب پرونده را صادر کند. شاید مهم‌ترین ویژگی سیستم دادستانی سلطنتی این است که تحقیق در خصوص جرائم، از وظایف این سازمان نیست. به هنگام تصمیم‌گیری در خصوص پرونده‌ها، وکلای دادستانی با همکاری تنگاتنگ با نیروهای پلیس وارد عمل می‌شوند ولی آن‌ها از پلیس مستقل هستند و در تصمیم‌گیری نهایی، این وکلای سازمان هستند که تصمیم می‌گیرند و نه نیروهای پلیس. امروزه دادستان سلطنتی مطابق معیارهای ناشی از قانون راجع به دادستان‌های سلطنتی، اختیار رسیدگی مجدد به کلیه اتهام‌هایی را که به وسیله پلیس وارد شده دارد و دادستان سلطنتی می‌تواند به موجب بند 3 ماده 23 قانون 1985

الزام حضور دادستان در دادگاه اطفال و نوجوانان نکرده است و چنانچه حضور دادستان لازم بود، قطعاً در این ماده قید می‌شد. دوم، در ماده 413 ق. آ. د. ک، اشخاصی را که در دادگاه اطفال و نوجوانان حضور می‌یابند قید، لکن اشاره‌ای به دادستان نشده است. سوم آنکه این احتمال وجود دارد که جایی که متهم طفل یا نوجوان، فاقد والدین یا ولی و سرپرست قانونی است، بهتر است صرفاً در این حالت حضور دادستان الزامی باشد لکن مطابق مواد 300 و 445 ق. آ. د. ک، حضور دادستان یا معاون وی و یا احد از دایاران، در جلسه دادگاه کیفری یک ویژه نوجوانان جهت دفاع از کیفرخواست الزامی است.

راجع به تعقیب جرائم در صورتی که به نظر وی دلایل ارائه شده در مورد پرونده مطروحه در مقابل دادگاه کافی نبوده و یا به مصلحت جامعه نباشد، آن را متوقف کند. دادستان‌ها و نمایندگان آن از اتهام با مجرمیت صادره در مقابل دادگاه صلح که به جرائم اطفال و نوجوانان نیز رسیدگی می‌کند، دفاع می‌کنند حال آنکه در مقابل دادگاه جزا دفاع از اتهام به وسیله وکلایی که تشکیلات دادستانی سلطنتی آن‌ها را انتخاب می‌کند، صورت می‌گیرد (مهرا، 1392: 19).

2. دادرسی افتراقی اطفال و نوجوانان بزهکار در مرحله محاکمه

جرائم اشخاص زیر 15 سال تمام شمسی به طور مستقیم در دادگاه رسیدگی می‌شود. در کنار آن کلیه جرائم منافی عفت و جرائم سبک آنان نیز بدون کیفرخواست و بدون دخالت دادرسی و دادستان به دادگاه ارسال می‌شود و در نهایت در سایر جرائم نیز اتخاذ تصمیم نهایی و صدور حکم با دادگاه اطفال و نوجوانان و یا دادگاه کیفری یک ویژه نوجوانان است، لذا این مرحله از دادرسی دارای اهمیت فراوانی است. اعمال الگوی حمایتی و اصلاح‌گرایانه و پرهیز از الگوی سزاگرایانه جهت تربیت و اجتماعی کردن کودکان بزهکار ضروری است. این امر مستلزم دادرسی متفاوتی است که در آن مکان و حتی ساختمان و اتاق و چیدمان دادگاه اطفال باید با دادگاه بزرگسالان متفاوت باشد و تمامی امکانات باید در جهت کاهش ترس و اعتمادسازی برای کودک در جهت تمکین به برنامه‌های حمایت از وی باشد.

2-1. دادگاه‌های رسیدگی کننده به بزهکاری اطفال و نوجوانان

با تصویب قانون آئین دادرسی کیفری سال 1392، قانون‌گذار به طور صریح در کنار سایر دادگاه‌های کیفری، به دادگاه اطفال و نوجوانان و دادگاه کیفری یک ویژه نوجوانان

اشاره و با تخصیص صلاحیت ذاتی برای این دو دادگاه، تشریفات دادرسی ویژه‌ای را در مواد مختلف قانون مقرر کرده است.¹

2-2. دادگاه اطفال و نوجوانان

دادگاه اطفال و نوجوانان، دادگاهی است که به جرائم اطفال و نوجوانان در مواردی که راجع به افراد بزرگسال در صلاحیت دادگاه کیفری دو است، رسیدگی می‌کند. صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان، مختص رسیدگی به جرائم اشخاص زیر هیجده سال تمام شمسی است و صلاحیت این دادگاه یک نوع «صلاحیت ذاتی» است و سایر دادگاه‌های کیفری، صلاحیت رسیدگی به جرائم در صلاحیت این دادگاه را ندارند. همین‌طور این دادگاه قادر به رسیدگی به جرائم در صلاحیت سایر دادگاه‌ها نیست مگر در مواردی که قانون‌گذار به‌طور استثناء در مواد 304 و 312 ق. آ. د. ک ذکر کرده است. با تغییر رویکرد سابق قانون‌گذار و تعریف صلاحیت ویژه برای دادگاه اطفال و نوجوانان، از ماده 412 الی 417 ق. آ. د. ک با اتخاذ ساختار افتراقی، تشریفات خاصی جهت رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان در دادگاه‌های اطفال و نوجوانان مقرر کرده است. این تشریفات بیش از همه جنبه حمایتی و مبتنی بر انجام دادرسی عادلانه برای طفل یا نوجوان است، لکن هنوز ایرادها و اشکال‌هایی به سمت دادرسی غیرافتراقی به چشم می‌خورد که مختصراً به آن‌ها اشاره و آسیب‌های آن را ذکر خواهیم کرد.

یک مورد دادرسی غیر افتراقی آن است که به اتهام برخی از متهمین زیر 18 سال در دادگاه ویژه اطفال و نوجوانان رسیدگی نمی‌شود. به‌عنوان مثال، جرائم خاص نظامی ارتكابی توسط اشخاص زیر هیجده سال تمام شمسی²، مطابق ماده 599 ق. آ. د. ک¹ در

1 - مطابق ماده 294 «دادگاه‌های کیفری به دادگاه کیفری یک، دادگاه کیفری دو، دادگاه انقلاب، دادگاه اطفال و نوجوانان و دادگاه‌های نظامی تقسیم می‌شود» و مطابق ماده 304 ق. آ. د. ک «به کلیه جرائم اطفال و افراد کمتر از هجده سال تمام شمسی در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود».

2. به‌عنوان مثال، بسیجیانی که زیر هجده سال عضو می‌شوند.

دادسرا و دادگاه‌های نظامی رسیدگی می‌شود و دلیلی بر ابقای این برخورد دوگانه نسبت به نوجوانان در قانون وجود ندارد.

از مصادیق دیگر دادرسی غیر افتراقی، مفهوم مخالف ماده 315 ق.آ.د.ک است؛ به طوری که چنانچه افراد نابالغ (دختر زیر 9 سال تمام قمری و پسر زیر 15 سال تمام قمری) مرتکب جرائم مهم موضوع ماده 302 ق.آ.د.ک شوند، به جرائم آنان به‌طور مستقیم در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی خواهد شد؛ بنابراین چنانچه پسر 14 ساله، مرتکب قتل عمدی شود، پرونده به‌طور مستقیم به دادگاه اطفال و نوجوانان ارسال و دادسرا و دادگاه کیفری یک، صلاحیت رسیدگی در این موارد را ندارند و به این جرائم بدون تعدد قاضی، در دادگاه اطفال و نوجوانان و با «وحدت قاضی» رسیدگی خواهد شد. این مطلب از کلمه «بالغ» در ماده 315 ق.آ.د.ک² برداشت می‌شود و از طرفی در خصوص تعیین مرجع رسیدگی مستقیم به جرائم اشخاص بالغ زیر 15 سال تمام شمسی که مرتکب جرائم شدید می‌شوند و مرجع انجام دهنده تحقیقات مقدماتی نیز، اختلاف نظر وجود دارد و در عمل باعث اختلاف رویه شده است.

از تشریفات خاص دادرسی دادگاه اطفال و نوجوانان، حضور «مشاور» در جلسه دادگاه مطابق ماده 298 ق.آ.د.ک است. با توجه به لزوم دقت در برخورد و شناسایی شخصیت کودکان از جمیع جهات، قانون‌گذار یکی از تشریفات دادرسی جرائم اطفال و نوجوانان را حضور مشاور در جلسه دادرسی ذکر کرده و جلسه با حضور مشاور رسمیت می‌یابد. فلسفه حضور مشاور، ایجاد آرامش در محیط دادگاه برای طفل یا نوجوان و ارائه نظریات مفید مشاوره به قاضی دادگاه اطفال و نوجوانان از نظر

1. ماده 599 ق. آ. د. ک «به جرائم نظامیان کمتر از هجده سال تمام شمسی که در صلاحیت سازمان قضایی است با رعایت مقررات مربوط به رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان در دادسرا و دادگاه‌های نظامی رسیدگی می‌شود».

2. ماده 315 ق. آ. د. ک «جرائم مشمول دادگاه کیفری یک و همچنین انقلاب در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌شود اگر توسط افراد بالغ زیر 18 سال تمام شمسی ارتکاب یابد در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان رسیدگی می‌شود و متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود، بهره‌مند می‌شود».

روان‌شناختی و سایر ویژگی‌های رفتاری و اخلاقی کودکان، جهت اتخاذ تصمیم صحیح در خصوص آنان است.¹ نظر مشاور، مشورتی است و لذا تصمیم نهایی با قاضی دادگاه است و مشاور در صدور رأی و یا تغییر آن نقشی ندارد. اسم مشاور همانند مستشار دادگاه‌هایی که با تعدد قاضی تشکیل می‌شود، زیر رأی و تصمیم نهایی قید نمی‌شود. همچنین برخلاف مشاور دادگاه خانواده، مشاور دادگاه اطفال و نوجوانان دارای پایه قضایی نیست. مشاور فقط در دادگاه اطفال و نوجوانان و دادگاه کیفری یک ویژه نوجوانان حضور می‌یابد و لذا در دادرسی نوجوانان و دادگاه تجدیدنظر و دیوان عالی کشور، طبق قانون حضور مشاور لازم نیست، اما مشکل آنجاست که قانون در خصوص حق‌الزحمه مشاوران دادگاه اطفال و نوجوانان ساکت است و این یکی از ایرادهای اساسی است که حضور مشاوران را کم‌رنگ و عملاً در بسیاری از دادگاه‌های اطفال و نوجوانان حضور مشاور را تشریفاتی کرده است.² همچنین مطالعه پرونده، سؤال و صحبت با متهم و والدین متهم و یا وکیل وی در مکان مجزا توسط مشاور، مطالعه پرونده شخصیت، طرح سؤال در جلسه دادگاه، درخواست انجام برخی تحقیقات توسط مشاور، از جمله موضوعاتی است که قانون در مورد آن‌ها ساکت است. این در حالی است که قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزهکار 1338 فاقد بسیاری از این ابهام‌ها بود. از طرفی نیز یکی از اشخاصی که مطابق ماده 413 ق.آ.د.ک حسب مورد در دادگاه اطفال و نوجوانان حاضر می‌شود «مددکار اجتماعی سازمان بهزیستی» است، اما ایراد آن است که جایگاه و علت حضور و نحوه دعوت از مددکار سازمان بهزیستی در قانون مشخص نشده است.

1. مطابق ماده 298 ق.ا.د.ک «دادگاه اطفال و نوجوانان با حضور یک قاضی و یک مشاور تشکیل می‌شود. نظر مشاور مشورتی است» و مطابق تبصره 2 ماده 315 ق.ا.د.ک. «حضور مشاوران با رعایت شرایط مقرر در این قانون، برای رسیدگی به جرائم نوجوانان در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم آنان الزامی است».

2. اگرچه در سال‌های اخیر در پایان سال مبلغی تحت عنوان پاداش از سوی معاونت اجتماعی و پیشگردد قوه قضاییه به مشاوران پرداخت شده است.

«حق داشتن وکیل» و دسترسی به وکیل، یکی از حقوق متهم در دادرسی‌های کیفری محسوب می‌شود. در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال 1392، حق داشتن وکیل مدافع و دسترسی فوری و آسان به وکیل و تفهیم این حق در مراحل مختلف دادرسی نسبت به قوانین سابق پررنگ‌تر شده است و قانون‌گذار در خصوص اطفال و نوجوانان با توجه به قاعده تبعیض مثبت، به تضمین اجرای حقوق آنان بیش از سایر افراد بزرگسال توجه کرده و در موضوع داشتن حق وکیل نیز، این حمایت را اعلان داشته و در صورت عدم انتخاب وکیل از جانب متهم در بسیاری از جرائم، دادسرا و دادگاه را ملزم به انتخاب وکیل انتخابی و یا وکیل تسخیری برای طفل یا نوجوان کرده است.¹ تکلیف تعیین وکیل برای طفل متهم، بر عهده دادگاه اطفال و نوجوانان و تکلیف تعیین وکیل برای متهم نوجوان، بر عهده دادسرا است. طبق ماده 347 ق.آ.د.ک حق الوکاله وکیل انتخابی از محل اعتبارات قوه قضائیه پرداخت می‌شود و در رأی دادگاه نیز باید طبق ماده 562 ق.آ.د.ک مسئول پرداخت آن مشخص شود؛ اما ایراد آن است که در عمل به علت عدم پرداخت حق الوکاله وکلا از سوی قوه قضائیه و یا عدم پرداخت به‌موقع آن، اجرای این حق در دادگاه اطفال و نوجوانان با چالش مواجه شده است.

نکته دیگر آنکه با توجه به شرایط خاص و ویژگی حمایت از اطفال و نوجوانان، قانون‌گذار مطابق تبصره 3 ماده 88 و ماده 90 قانون مجازات اسلامی با عدول از «قاعده فراغ دادرس» این امکان را فراهم کرده که حتی پس از صدور حکم نیز، قاضی دادگاه بتواند بنا بر مصلحت طفل یا نوجوان در رأی خود تجدیدنظر کند. ایراد این موضوع آن است که در مواردی که پرونده در دادگاه تجدیدنظر قطعیت یافته و یا حکم پس از

1. مطابق ماده 415 ق. آ. د. ک «در جرائمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه کیفری یک است یا جرائمی که مستلزم پرداخت دیه یا ارش بیش از خمس دیه کامل است و در جرائم تعزیری درجه شش و بالاتر، دادسرا و یا دادگاه اطفال و نوجوانان به ولی یا سرپرست قانونی متهم ابلاغ می‌کند که برای او وکیل تعیین کند. در صورت عدم تعیین وکیل یا عدم حضور وکیل بدون اعلام عذر موجه، در مرجع قضایی برای متهم وکیل تعیین می‌شود. در جرائم تعزیری درجه هفت و هشت، ولی یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان می‌تواند خود از وی دفاع و یا وکیل تعیین کند. نوجوان نیز می‌تواند از خود دفاع کند».

نقض از سوی دادگاه تجدیدنظر صادر شده باشد، دادگاه صالح جهت بازنگری (مرجع تجدیدنظر یا مرجع بدوی) مشخص نشده که این موضوع در حال حاضر، موجب اختلاف رویه دادگاه‌ها گردیده است.

3-2 دادگاه کیفری یک ویژه نوجوانان

قانون‌گذار در خصوص جرائم ارتكابی نوجوانان که در صلاحیت دادگاه کیفری یک است، با توجه به نیاز به دقت ویژه و حساسیت موضوع، قائل به تشکیل دادگاه کیفری یک ویژه نوجوانان شده و صلاحیت و تشکیلات این دادگاه را نیز به‌طور مختصر بیان کرده است¹ که این موضوع امری مثبت و در راستای افتراقی کردن دادرسی نوجوانان در جرائم شدید تلقی می‌شود.

با توجه به صدر ماده 315 ق.آ.د.ک، سن نوجوان بزه‌کار، همانند دادگاه اطفال و نوجوانان، معیار تعیین صلاحیت دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان است. طبق این ماده، صرفاً رسیدگی به جرائم مهم اشخاص بالغ زیر 18 سال تمام شمسی در صلاحیت این دادگاه قرار دارد؛ بنابراین همچنان‌که قبلاً ذکر شد، چنانچه دختر غیربالغ (زیر 9 سال تمام قمری) یا پسر غیربالغ (زیر 15 سال تمام قمری) مرتکب جرائم مهم موضوع مواد 297 و 302 ق. آ. د. ک شوند، به پرونده آنان در دادگاه کیفری یک ویژه نوجوانان رسیدگی نمی‌شود، بلکه مرجع صالح، دادگاه اطفال و

1. مطابق ماده 315 ق. آ. د. ک «جرائم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک و همچنین انقلاب در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌شود. اگر توسط افراد بالغ زیر هیجده سال تمام شمسی ارتکاب یابد، در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان رسیدگی می‌شود و متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود، بهره‌مند می‌شود».

تبصره 1- در هر شهرستان به تعداد مورد نیاز، شعبه یا شعبی از دادگاه کیفری یک به‌عنوان «دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان» برای رسیدگی به جرائم موضوع این ماده اختصاص می‌یابد. تخصصی بودن این شعب، مانع از ارجاع سایر پرونده‌ها به آن‌ها نیست» و مطابق ماده 402 ق. آ. د. ک «در مواردی که دادگاه کیفری یک حسب مقررات این قانون صلاحیت رسیدگی به جرائم صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان را دارد، رعایت مقررات مربوط به رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان الزامی است».

نوجوانان و رسیدگی با وحدت قاضی بوده که متضمن دقت کافی در حالت «تعدد قاضی» نیست.¹

ایراد و آسیب اساسی دیگر در راستای افتراقی شدن دادرسی نوجوانان در جرائم مهم، آن است که در رویه فعلی با توجه به عبارت انتهایی تبصره 2 ماده 315 ق.آ.د.ک که اعلام داشته «تخصصی بودن دادگاه کیفری یک ویژه نوجوانان، مانع از ارجاع سایر پرونده‌ها به آن‌ها نیست»، عملاً ارجاع پرونده‌های جرائم شدید بزرگسالان به این دادگاه باعث شده تا سایه سنگین رسیدگی به جرائم جنایی بزرگسالان در تمام جوانب در این دادگاه ویژه، مجدداً حاکم و ضوابط دادرسی افتراقی را کم‌رنگ کند.

2-4. دادگاه‌های عالی و رسیدگی پژوهشی به پرونده‌های کیفری اطفال و نوجوانان

مطابق ماده 427 ق. آ. د. ک آراء دادگاه‌های کیفری در جرائم تعزیری درجه هشت و دیه یا ارش کمتر از یک دهم دیه کامل قطعی است؛ لکن طبق ماده 445 همین قانون، آراء دادگاه اطفال و نوجوانان «در تمامی موارد» قابل تجدیدنظرخواهی است. لذا تمام تصمیم‌هایی که وفق ماده 88 ق. م. ا؛ و آرائی که طبق ماده 89 ق. م. ا، صادر می‌شود قابلیت تجدیدنظرخواهی را دارد. همچنین مطابق ماده 444 ق. آ. د. ک، شعبه‌ای از دادگاه تجدیدنظر استان، به‌عنوان مرجع رسیدگی به درخواست تجدیدنظر از آراء و تصمیم‌های دادگاه اطفال و نوجوانان با ابلاغ از طرف رئیس قوه قضائیه تعیین می‌شود. بر اساس قسمت اخیر ماده 444 ق. آ. د. ک، مرجع فرجام‌خواهی از آراء و تصمیم‌های دادگاه کیفری یک ویژه نوجوانان، دیوان عالی کشور است. برخلاف مرحله بدوی و دادگاه تجدیدنظر، قانون‌گذار به تعیین شعبه ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان در دیوان عالی کشور اشاره نکرده و عدم تعیین شعبه تخصصی جهت رسیدگی فرجامی به پرونده‌های کیفری نوجوانان در دیوان عالی کشور، موجب تبعیض در اجرای عدالت

1. کلمه «بالغ» در اصلاحات سال 1394 به ق. آ. د. ک مصوب سال 1392 اضافه و کلمه «اطفال» در این ماده و تبصره 2 آن حذف شد. هرچند کلمه «اطفال» در تبصره 1 این ماده و ماده 402 مسامحتاً همچنان باقی است. لذا دادگاه کیفری یک در هر حال صلاحیت رسیدگی به کلبه جرائم اطفال (اشخاص نابالغ) را ندارد.

قضایی در جرائم شدیدی چون قتل عمدی و تفاسیر متفاوت از ماده 91 قانون مجازات اسلامی شده است.

در انگلستان، قانون اطفال مصوب 1908 که دادگاه ویژه اطفال را ایجاد کرد، پایه‌گذار سیستم دادرسی اطفال در انگلستان و ولز است. قانون مذکور به رویکرد رفاه‌مدار که از 50 سال قبل شکل گرفته بود، شکلی قانونی داد. دادگاه نوجوانان از ضرورت وجود یک سیستم دادرسی متمایز در خصوص اطفال و نوجوانان نشئت گرفته بود. تشکیل چنین دادگاهی بر این عقیده مبتنی بود که اطفال مرتکب جرم، نیازمند و سزاوار پاسخ‌دهی از طرف آن دسته از مقام‌های سیستم قضایی هستند که به عدم رشد، حساسیت و عدم آگاهی اطفال از نتایج رفتارشان آشنایند (پاکنهاد، 1385: 133). هم‌اکنون در انگلستان دادگاه‌های خلاف، دادگاه‌های صلح و دادگاه‌های جزا برحسب صلاحیت آن‌ها به جرائم و امور خلافی رسیدگی می‌کنند. آراء صادره حسب مورد در دادگاه تجدیدنظر و دادگاه جزا و دادگاه عالی عدالت، قابل پژوهش هستند. عالی‌ترین دادگاه، مجلس اعیان یا مجلس لردها است. به موجب قانون کودکان 1989¹ و قانون عدالت کیفری 1991² صلاحیت رسیدگی به جرائم نوجوانان زیر 18 سال در قالب دادگاه اطفال و نوجوانان به دادگاه‌های صلح واگذار شده است. این دادگاه‌ها از اول اکتبر 1992 ایجاد شده و جانشین دادگاه‌های اطفال سابق شده‌اند، همچنین قانون کودکان 1989 پرهیز از تعقیب کودکان را به صورت قانونی پذیرفته است. بر اساس این قانون، مقام‌های محلی ملزم هستند اقدام‌های معقولی جهت کاهش رسیدگی کیفری علیه کودکان و افراد جوان انجام دهند.

محاكمات در دادگاه صلح در مورد اطفال و نوجوانان اصولاً «غیرعلنی» است و فقط اعضاء و کارمندان دادگاه و نیز طرفین دعوا شامل والدین یا سرپرستان کودکان و وکلای آنان و همچنین شهود و نمایندگان مطبوعات حق حضور دارند. مطبوعات

1. Children act 1989

2. Criminal justice act 1991

می‌توانند گزارش محاکمات را به اطلاع عموم برسانند لکن هویت کودکان نباید فاش شود. چنانچه اتهام کودک بزهکار قتل باشد و یا کودک 14 ساله یا بیشتر، مرتکب جرم شدیدی شده باشد که برای شخص بالغ محکومیتی معادل حداقل 14 سال حبس داشته باشد، در این صورت به اتهام کودک بزهکار در «دادگاه جزا» رسیدگی می‌شود و دادگاه صلح بدو صالح به رسیدگی نیست (مهرا، 1394: 128). به طور کلی نظام کیفری انگلستان در خصوص رسیدگی به بزهکاری اطفال و نوجوانان گرایش «غیررسمی‌سازی» دارد، زیرا عقیده بر آن است فرایندهای رسمی کیفری، باعث برچسب‌های مجرمانه به اطفال و نوجوانان می‌شود. «اگرچه غیررسمی‌سازی رسیدگی هیچ‌گاه، به شکل کامل در قبال سیستم عدالت کیفری نوجوانان در انگلستان و ولز به اجرا درنیامده است، اما برخی از انتقادهای اساسی وارد شده به آن، سیستم سزاگرا را تحت تأثیر قرار داده است» (مهرا، 1386: 85). همچنین در انگلستان به جای رسیدگی به جرائم اطفال بر طبق سیستم وحدت قاضی، یک نوع «سیستم هیئتی» حاکم است (صلاحی، 1388: 265).

3. دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار در مرحله اجرای حکم

اجرای احکام کیفری یکی از مراحل بسیار مهم و یا به عبارت دیگر مرحله نهایی دادرسی کیفری است. لازم بوده است قانون‌گذار به تبعیت از «سیاست افتراقی» دادرسی اطفال و نوجوانان، در خصوص شیوه اجرای احکام اطفال و نوجوانان نیز، قائل به تفکیک شود. اگرچه قانون‌گذار فصل مستقلی از قانون مجازات اسلامی را به بیان مفهوم اقدام‌های تأمینی و تربیتی، موارد اعمال، اقسام و احکام آن اختصاص نداده (توجهی، 1394: 138)، لکن فراهم ساختن زمینه اتخاذ تصمیم‌های جدید و نوآوری در مجازات و جایگزین‌های حبس در خصوص اطفال و نوجوانان در مواد 88 و 89 قانون مجازات اسلامی سال 1392، مستلزم فراهم ساختن زمینه اجرای این تصمیم‌ها و احکام به شکل افتراقی بود که تاکنون تمهیدهای لازم در این خصوص (به‌جز ایجاد قانون‌های

اصلاح و تربیت) فراهم نشده است. برخلاف مراحل دیگر دادرسی، قانون‌گذار در مرحله اجرای احکام به تعیین «قضات ویژه اجرای احکام اطفال و نوجوانان» توجهی نداشته و دادرسی را افتراقی نکرده است. لذا امکانات و شرایط کافی برای اجرای برنامه‌های اصلاحی و بازاجتماعی کردن اطفال و نوجوانان در بسیاری از معیارهای اجرایی فراهم نیست.

3-1. شیوه اجرای احکام کیفری اطفال و نوجوانان بزهکار

برخلاف افراد بزرگسال که در صورت محکومیت به مجازات حبس، باید در زندان تحمل حبس کند، اشخاص زیر 18 سال و یا افرادی که توسط دادگاه اطفال و نوجوانان به نگهداری محکوم می‌شوند، الزاماً محل «نگهداری» آنان، کانون اصلاح و تربیت است. تفکیک محل نگهداری اشخاص زیر 18 سال با اشخاص بزرگسال در مواردی که از آزادی محروم می‌شوند، در بند «پ» ماده 37 کنوانسیون حقوق کودک نیز تأکید شده است. کانون اصلاح و تربیت از دستاوردهای جرم‌شناسی نوین برای اصلاح و بازاجتماعی کردن اطفال و نوجوانان است. همچنین بازدید ماهانه قضات دادگاه اطفال و نوجوانان از کانون اصلاح و تربیت در قانون مقرر شده که می‌تواند اثرات مثبتی داشته باشد.¹ مطابق ماده 304 ق.آ.د.ک² دادگاه اطفال و نوجوانان که به جرائم اشخاص زیر 18 سال تمام شمسی رسیدگی می‌کند، چنانچه پس از رسیدگی و صدور حکم مشخص شود سن افراد متهم و محکوم این دادگاه بیش از 18 سال تمام شمسی شده، باز هم در

1. مطابق آئین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور «کانون اصلاح و تربیت مرکزی است که اطفال و نوجوانان بزهکار کمتر از 18 سال تمام در آنجا برای اصلاح، تربیت و آموزش نگهداری می‌شوند» و مطابق ماده 526 قانون آئین دادرسی کیفری «قضات دادگاه اطفال و نوجوانان مکلف‌اند برای بررسی وضعیت قضایی مددجویان و طرز تعلیم و تربیت و پیشرفت اخلاقی آنان، حداقل هر ماه یک بار از کانون اصلاح و تربیت حوزه محل خدمت خود بازدید به عمل آورند. این امر مانع اجرای وظایف قانونی دادستان نیست».

2. ماده 304 ق.آ.د.ک «به کلیه جرائم اطفال و افراد کمتر از هیجده سال تمام شمسی در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود. در هر صورت محکومان بالای سن هیجده سال تمام موضوع این ماده، در بخش نگهداری جوانان که در کانون اصلاح و تربیت ایجاد می‌شود نگهداری می‌شوند».

«بخش نگهداری جوانان» که در قانون اصلاح و تربیت ایجاد می‌شود، نگهداری می‌شوند و به زندان‌های دیگر منتقل نمی‌شوند. تاکنون این بخش در اکثر قانون‌های اصلاح و تربیت در کشور ما تشکیل نشده است. قانون‌های اصلاح و تربیت در وضعیت فعلی فاقد ظرفیت‌های لازم برای اصلاح و تربیت اطفال و نوجوانان است و از طرفی مأمورین مراقب و مددکاران آموزش‌دیده در حوزه اطفال و نوجوانان وجود ندارند و مأمورین بدرقه اطفال و نوجوانان بزهکار با زندانیان بزرگسال، چندان تفاوتی ندارند و حتی مفاد آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح و تربیت مصوب سال 1347 نیز به‌طور کامل اجرایی نشده است.

در زمینه اجرای سایر کیفرها هم باید گفت، اگرچه در قانون مجازات اسلامی در سال 1392 به موجب ماده 91، قانون‌گذار با انعطاف بیشتری در خصوص مجازات سلب حیات نوجوانان برخورد کرده، لکن هنوز مواردی از محکومیت نوجوانان به مجازات اعدام یا قصاص وجود دارد که در این صورت، به موجب بخشنامه ریاست اسبق قوه قضائیه در سال 1382، مجازات باید بعد از اتمام هجده‌سالگی اجرا شود.¹ همچنین لازم به ذکر است که اشخاص زیر 18 سال تمام شمسی، در تعزیرات به شلاق محکوم نخواهند شد.² در اجرای مجازات جایگزین حبس به شکل خدمات عمومی رایگان در خصوص افراد زیر 18 سال تمام شمسی نیز، به موجب تبصره یک ماده 89 ق.م.ا «ساعت ارائه خدمات عمومی، بیش از چهار ساعت در روز نیست» در حالی که در خصوص افراد بزرگسال هشت ساعت در روز است.

1. در خصوص این بخشنامه و تأخیر در اجرای مجازات سلب حیات نکات زیر قابل توجه است: نخست، بخشنامه مذکور در زمان روسای بعدی قوه قضائیه تکرار نشده و لذا عده‌ای به آن عمل نمی‌کنند. دوم، عده‌ای از قضات اجرای احکام، بخشنامه مذکور را خلاف قانون دانسته و به آن عمل نمی‌کنند. سوم، عده‌ای از روانشناسان معتقدند که تأخیر در اجرای مجازات سنگینی چون اعدام، از اجرای فوری آن بدتر است، زیرا آسیب‌های فراوانی به روان مرتکب وارد می‌کند.

2. کیفر شلاق در نظام کیفری انگلستان از سال‌ها پیش لغو شده است.

2-3. اثر محکومیت کیفری اطفال و نوجوانان

به موجب ماده 95 ق.آ.د.ک «محکومیت‌های کیفری اطفال و نوجوانان فاقد آثار کیفری است». همین‌طور مطابق ماده 5 آئین‌نامه سبج قضایی مصوب سال 1384 مقرر شده بود که «برای افراد کمتر از 18 سال که محکومیت کیفری پیدا می‌کنند، برگ سبج قضایی تنظیم نخواهد شد»¹؛ بنابراین آثاری که از طریق محکومیت‌های کیفری برای افراد بزرگسال همانند، محرومیت از حقوق اجتماعی (ماده 25 ق.م.ا) و یا ممانعت از تعویق صدور حکم (ماده 40 ق.م.ا) ایجاد می‌شود، برای افراد زیر 18 سال ایجاد نخواهد شد اما در عمل درج احکام تعلیقی و تعویقی و سوابقی که در سامانه مدیریت پرونده‌های قضایی² درج می‌شود، با این رویه در تضاد است و گاهاً به تصور ایجاد شدن سابقه کیفری، باعث دلسردی و ترک تحصیل اطفال و نوجوانان می‌شود.

احکام صادره در خصوص اطفال و نوجوانان بزهکار در انگلستان از سوی دادگاه صلح و یا دادگاه جزا، بیش از همه جنبه ترمیمی و اصلاحی داشته و از سوی نهادهایی چون «موسسه ویژه جوانان بزهکار» و یا کانون‌هایی که به وسیله مقام‌های محلی اداره می‌شوند، اجرا می‌شوند. رسالت موسسه ویژه جوانان بزهکار، آماده کردن آن‌ها برای بازگشت به جامعه است. یک برنامه انعطاف‌پذیر از فعالیت‌ها که در عین حال منسجم و هماهنگ باشد به منظور کمک به گسترش حس مسئولیت انضباط، سلامت جسمانی و آموزش حرفه‌ای به آنان تحمیل می‌شود. اطفالی که در سن تحصیلات هستند، باید حداقل در هفته، 15 ساعت کلاس درس داشته باشند. آموزش حرفه‌ای و کار در رژیم معمول، نسبت به زندانیان بزرگ‌تر، رکن مهمی را تشکیل می‌دهد. روابط با خانواده و جامعه تا آنجایی که ممکن است حفظ خواهد شد. قرارهای مراقبت توسط مأمورین مراقبت و یا مقام‌های محلی و یا مددکاران اجتماعی نظارت و اجرا می‌شود. همچنین در زندان‌ها مؤسسات ویژه جوانان زیر 21 سال از سال 1988 تشکیل شده است. لازم به ذکر

1. در آیین‌نامه سبج قضایی مصوب سال 1398 مفاد این ماده مسکوت مانده است.

2. CMS: Case Management System

است که نهادهایی همچون کمیسیون محلی اطفال بزهکار¹ و هیئت اطفال و نوجوانان بزهکار²، قبل از ارجاع پرونده به دادگاه ضوابط و اقدام‌های ترمیمی و تربیتی و نظارتی مربوط به اخطار رسمی و قرار ارجاع را انجام و اجرا می‌کنند. (مهرا، 1392: 18).

فرجام سخن

با آسیب‌شناسی و تبیین مشکل‌ها و چالش‌های موجود در قوانین دادرسی کیفری اطفال و نوجوانان در ایران، ملاحظه شد که علی‌رغم تلاش قانون‌گذار به افتراقی‌کردن دادرسی اطفال و نوجوانان، لکن به جهت تجزیه و تفکیک لایحه جامع تهیه‌شده در سال 1392 و عدم توجه هر چه بیشتر به دکترین دانشگاهی و تجربیات قضایی، همچنان قوانین شکلی دارای ایرادهای قابل ملاحظه بوده و فرایند دادرسی اطفال و نوجوانان، در مراحل پلیسی و کشف جرم و نیز در مرحله فرجام‌خواهی از محکومیت‌های مهم نوجوانان در دیوان عالی کشور و همچنین در مرحله اجرای احکام کیفری، به شکل افتراقی برقرار نشده است. علی‌رغم رویکردهای مثبت و توجه ویژه قانون‌گذار به دادرسی اطفال و نوجوانان در سال 1392، لکن همچنان نقاط تاریک و سیاهی در مسیر دادرسی کودکان وجود دارد که تا آن‌ها رفع نشود، روشنی و سفیدی کامل این مسیر هویدا نمی‌شود. در اینجا جهت رفع این آسیب‌ها نکات زیر پیشنهاد می‌شود:

تجویز قانونی اعمال حداکثری اصل اقتضای تعقیب در جرائم اطفال و نوجوانان و ممانعت از ورود هر چه بیشتر اطفال و نوجوانان به چرخه عدالت کیفری، قانونی و اجرایی کردن تشکیل پلیس اطفال و نوجوانان، منع صریح رسیدگی به پرونده‌های کیفری اطفال و نوجوانان توسط قضات جوان و دادپاران، عملی کردن استخدام مددکاران

1. Youth offender panel - هدف از تشکیل این کمیسیون‌ها، هماهنگ کردن مقام‌های محلی جهت ارائه مداخلات مبتنی بر جامعه محلی و نظارت هرچه بیشتر بر اطفال و نوجوانان بزهکار است. (No More Excuse, cm, 3809, 1997).

2. Youth offending team

اجتماعی توسط قوه قضاییه جهت تشکیل پرونده شخصیت اطفال و نوجوانان و سایر وظایف قانونی از جمله مراقبت‌های لازم در موارد تعلیق و تعویق تعقیب، الزام دادگاه‌ها به ذکر خلاصه پرونده شخصیت و نظریه مشاورین دادگاه اطفال و نوجوانان و مددکاران اجتماعی در تصمیم‌های نهایی، صراحت گویی در خصوص قرارهای تأمین اطفال، تصریح به مرجع صالح جهت انجام تحقیقات مقدماتی جرائم شدید اطفال زیر 15 سال، لحاظ کردن حق الزحمه مشاورین دادگاه اطفال و نوجوانان و حق الوکاله وکلای انتخابی توسط دادگاه، غیررسمی کردن زمان و مکان دادرسی اطفال، غیرعلنی اعلام کردن دادرسی اطفال و نوجوانان در قانون به شیوه قانون سابق، افتراقی کردن کلیه مراحل دادرسی کیفری اطفال و نوجوانان حتی در مرحله رسیدگی در دادگاه‌های عالی و اجرای احکام کیفری و تعیین شعبه ویژه در دیوان عالی کشور و نیز در دادرسی‌ها و دادگاه‌های نظامی، تعیین قاضی ویژه اجرای احکام کیفری اطفال و نوجوانان، اختصاص مأمورین مراقبت و بدرقه ویژه اطفال و نوجوانان در کانون‌های اصلاح و تربیت، ایجاد مقدمات و تمهیدهای اجرای مجازات جایگزین حبس و سایر نوآوری‌های جدید در قانون ماهوی اخیر، تحول کانون‌های اصلاح و تربیت و ایجاد تغییرهای اساسی در شیوه‌های اصلاحی و ایجاد بند جوانان و انجام طبقه‌بندی دقیق همراه با برنامه جامع اصلاح جهت آموختن هنجارها و باز اجتماعی کردن کودکان، ایجاد نهادهای محلی شبیه به کمیسیون‌های محلی اطفال بزهکار و یا هیئت‌های اطفال و نوجوانان بزهکار در انگلستان، انتخاب دقیق قضات دادگاه اطفال از میان افرادی که اعتقاد کامل به اصلاح و تربیت به جای کیفر و مجازات در مورد اطفال و نوجوانان و توجه به عدالت ترمیمی و سیاست جنایی مشارکتی دارند و حتی پیش‌بینی انتخاب قضات زن برای دادگاه‌های اطفال و نوجوانان به علت توانایی بیشتر زنان در برقراری ارتباط با اطفال و نوجوانان و ایجاد فضای تعاملی با آنان، ایجاد زمینه‌های تبادل افکار قضات دادگاه‌های اطفال و نوجوانان در سراسر کشور و زمینه تحلیل آراء دادگاه‌های اطفال در دانشگاه‌ها؛ از جمله موضوعاتی است که عملی کردن آن‌ها، به رفع آسیب‌های موجود در قوانین دادرسی کیفری اطفال و نوجوانان در ایران مساعدت کرده و

در این مباحث قانون ما، نیازمند اصلاح و تغییر است و انتظار می‌رود قانون‌گذار ما در تدوین قوانین مربوط به اطفال و نوجوانان بزهکار در این موارد، از ظرفیت‌های موجود در حقوق انگلستان نیز بهره بگیرد.

منابع

الف. فارسی

- بشیریه، تهمورث (1397) **دانشنامه عدالت کیفری کودکان و نوجوانان**، تهران: نشر نگاه معاصر، چاپ اول.
- پاکنهاد، امیر (1385) «رویکرد نوین حقوق انگلستان به بزهکاری»، **مجله تخصصی الهیات و حقوق**، سال ششم، شماره 19، صص 123-151.
- توجهی، عبدالعلی (1394) **آسیب‌شناسی قانون مجازات اسلامی**، تهران: نشر مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، چاپ اول.
- صلاحی، جاوید (1388) **بزهکاری اطفال و نوجوانان**، تهران: نشر میزان، چاپ ششم.
- رحمت الهی، عطاءالله (1396) «مطالعه تطبیقی ساختار، عملکرد و ویژگی‌های پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در حقوق ایران، انگلستان و فرانسه» **فصلنامه مطالعات حقوقی - انتظامی**، سال دوم، شماره 5، صص 93-132.
- معاونت حقوقی قوه قضاییه (1397) **مجموعه تنقیح شده اسناد بین‌المللی مربوط به حقوق اطفال و نوجوانان**، تهران: نشر روزنامه رسمی، چاپ اول.
- مهرآ، نسرین (1385) «قوانین و مقررات کیفری ایران در قبال اطفال و نوجوانان بزهکار» **مجله تخصصی الهیات و حقوق**، سال ششم، شماره 2، صص 41-59.
- مهرآ، نسرین (1386) «نظام عدالت کیفری اطفال و نوجوانان در انگلستان و ولز» **مجله تحقیقات حقوقی**، دوره دهم، شماره 46، صص 93-111.

- مهرا، نسرين (1389) «بازگشت مداخله نظام کیفری در قبال بزهکاری اطفال و نوجوانان در انگلستان» مجله آموزه‌های حقوقی، دانشگاه علوم انسانی رضوی، دوره هفتم، شماره 13، صص 107 - 129.
- مهرا، نسرين (1390) عدالت کیفری کودکان و نوجوانان، تهران: نشر میزان، چاپ اول.
- مهرا، نسرين (1392) دانشنامه حقوق کیفری انگلستان، تهران: نشر میزان، چاپ اول.
- مهرا، نسرين (1394) نظام حقوقی انگلستان، تهران: نشر میزان، چاپ سوم.
- کنوانسیون حقوق کودک 1989.
- نوروزی، بهروز و دیگران (1396) «اصل اقتضاء تعقیب در قلمرو جرائم اطفال و نوجوانان در حقوق ایران و انگلستان»، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، دوره سیزدهم، شماره 34، صص 153 - 185.

ب. انگلیسی

- Bell, Adrian. Hodgson, Mike & Pragnell, Sandy (1999) "Diverting Children and Young People from Crime and Criminal Justice System", in Goldson, Barry (ed) **Youth Justice Contemporary Policy and Practice**, Aldershot, Ashgate.
- Cavandino Michael, Dignan James (2012) **Penal systems, A Comparative Approach**, London: publisher: SAGE publications Ltd.
- Card, Richard & Ward, Richard (1998) "**The Crime and Disorder Act 1998**", published by Jordans.
- Fionda, Julia (1998) "New Labour Old Hat: Youth Justice and the Crime and Disorder Act", **Criminal Law Review**(Jan), PP 36-47.
- King, Roy D & Resodihardjo, Sandra, L. (2010) "To Max or Not to Max: Dealing with High Risk Prisoners in the Netherlands and England and Wales", **Punishment & Society**, Vol.12, No.1, pp.
- Newburn, Tim and Morgan, Rod (2012) "Youth Crime and Justice, Rediscovering devolution, discretion, and diversion? In Maguire, M and Morgan, R Reiner, **The Oxford Handbook of Criminology**, London: Clarendon Press.
- Green, David (2007) "Comparing Penal Cultures: Child-on Child- Homicide in England and Norway," **Crime and Justice**, Vol.36, No.1, pp.591-643.
- Sweet & Maxwell (1998) "**The Criminal Law Review**", Journal, London.
- Acts And Regulations:**

- Guidance Note of the Secretary-General: UN Approach to Justice for Children september (2008).
- United Nations Standard Minimum Rules for the Administration of Juvenile Justice, (Beijing Rules) (1985).
- United Nations Rules for the Protection of Juveniles Deprived of Their Liberty: resolution / adopted by the General Assembly (Havana Rules) (1990).
- Youth Justice and Criminal Evidence Act (1999). Crime and Disorder Act, (1998).

